

بررسی انتصاب کوین وارث به عنوان رئیس جدیدفدرال رزروو چشم‌انداز سیاست‌های پولی آمریکا

تغییر پارادایم در فدرال رزرو



است که بخش عمده درآمدش از قراردادهای دولتی تأمین می‌شود و ماموریت آن کشف فساد و اتلاف منابع دولتی است.از منظر وارث، پیاده‌سازی نظارت و حسابرسی پیش‌دسته‌به‌متنی بر فناوری، همسو با نظریه‌ی او درباره منشأ تورم است. یعنی اصلاح روش هزینه‌کرد دولت برای مهار تورم.

■ **چرا ترامپ وارث را انتخاب کرد؟**

انتخاب کوین وارث به‌عنوان گزینشه اصلی دونالد ترامپ برای ریاست فدرال‌رزرو، تحت تأثیر چندین عامل کلیدی و راهبردی صورت گرفته است. نخستین دلیل محوری در این تصمیم، همسویی کامل سیاست‌گذاری‌های پولی وارث با رویکردهای اقتصادی رئیس‌جمهور است. در حالی که ترامپ بارها بر ضرورت کاهش نرخ بهره برای تقویت رشد اقتصادی تأکید کرده بود، وارث در موضع‌گیری‌های اخیر خود سرحدات از این ایده دفاع کرده است. او معتقد است با توجه به جهش احتمالی در بهروری ملی به دلیل پیشرفت‌های هوش مصنوعی، کاهش نرخ بهره توجیهی منطقی دارد. این نگرش به وارث اجازه می‌دهد تا اهداف مطلوب ترامپ، بویژه پایین نگه داشتن هزینه استقراض در سطح کلان را با رویکرد تئوریک پیگیری کند. در سطح دیگر، تجربه سیاسی عمیق و اعتبار الوای وارث در بازارهای مالی، نقشی تعیین‌کننده در این انتخاب ایفا کرده است. او که پیش از این سابقه عضویت در شورای حکام و نقد عملکردهای گذشته فدرال‌رزرو را داشته، اکنون از حمایت گسترده اقتصاددانان برجسته بازار برخوردار است. پیوندهای مستحکم او با وال‌استریت و توانایی او در اقناع و هماهنگ‌سازی اعضای کمیته بازار آزاد (FOMC)، او را به گزینه‌ای تبدیل کرده که در عین داشتن وجهه حرفه‌ای و تخصصی، برای فعالان بازار نیز «معامله‌ای قابل قبول» به نظر برسد. بر اساس گزارش‌ها، ترامپ وارث را گزینه‌ای هوشمندانه ارزیابی کرده است که می‌تواند ضمن حفظ ظاهر مستقل و حرفه‌ای، در عمل همگام و هماهنگ با اهداف کاخ سفید گام بردارد.

قرارگیری وارث در یک شبکه‌فکری مشترک با تیم اقتصادی ترامپ، سوومین محرک اصلی این انتصاب محسوب می‌شود. وارث سال‌ها با نخبگانی همکاری کرده است که به کاهش اتکای دولت به سیاست‌های پولی سنتی باور دارند. به طوری که همکاری و قرابت دیدگاه او با شخصیت‌هایی نظیر اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری، نشان‌دهنده یکپارچگی تیم اقتصادی دولت جدید است. این همگرایی نه‌تنها با برنامه‌های کلان ترامپ در زمینه مقررات‌دایی، کاهش مالیات‌ها و تنزل هزینه‌های تولید همخوانی دارد، بلکه به مدیریت انتظارات بازار نسبت به تورم ۳ درصدی کنونی را نیز تسهیل می‌کند. تحلیلگران معتقدند تأکید صریح ترامپ بر انتصاب فردی که متعهد به کاهش نرخ بهره باشد، در نهایت در قامت کوین وارث متبلور شده است.

■ **رویکردهای کلیدی و تفاوت‌ها**

کوین وارث در کابین چشم‌انداز جدید خود برای مدیریت بانک‌مرکزی آمریکا، مجموعه‌ای از محورهای راهبردی را پیشنهاد می‌کند که نشان‌دهنده چرخشی آشکار در سیاست‌های سنتی

دونالد ترامپ در پایان ژانویه ۲۰۲۶ به‌طور رسمی کوین وارث را به عنوان نامزد ریاست فدرال‌رزرو معرفی کرد؛ تصمیمی که به‌سرعت به یکی از مهم‌ترین تحولات سیاست اقتصادی آمریکا تبدیل شد. وارث ۵۵ ساله پیش‌تر بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ عضو شورای حکام فدرال‌رزرو بود و در دوره بحران مالی ۲۰۰۸ در قالب تصمیم‌گیری‌های پولی آن قرار داشت. همین سابقه باعث شده نام او برای بازارها و فعالان اقتصادی چه‌رایی آشنا باشد. وارث در سال‌های گذشته به‌عنوان یک سیاستگذار «هاوک» یا ضدتورمی شناخته می‌شده، فردی که نسبت به گسترش بیش از حد ترانزانه فدرال‌رزرو و سیاست‌های پولی بسیار انبساطی هشدار می‌داد. او از منتقدان جدی سیاست «پول ارزان» و اتکای بیش از حد اقتصاد آمریکا به نرخ‌های بهره پایین بود و بر ضرورت حفظ انضباط پولی تأکید داشت. به همین دلیل بسیاری او را در اردوگاه طرفداران سیاست‌های سختگیرانه‌تر قرار می‌دادند.

با این حال، در ماه‌های اخیر مواضع او تا حدی تغییر کرده است. وارث اکنون از امکان کاهش نرخ‌های بهره سخن می‌گوید و این رویکرد را با استناد به احتمال جهش بهروری ناشی از فناوری، بویژه هوش مصنوعی، توجیه می‌کند. این تغییر لحن با تأکید ترامپ بر ضرورت پایین نگه داشتن نرخ بهره برای تقویت رشد اقتصادی همسو است و نشان می‌دهد وارث می‌تواند در چارچوب‌اهداف اقتصادی دولت جدید عمل کند. یعنی ترکیبی از انضباط پولی در بلندمدت و انعطاف‌پذیری تاکتیکی در کوتاه‌مدت.

■ **سوابق و دیدگاه‌های اقتصادی وارث**

کوین وارث پس از تحصیلات در استنفورد و هاروارد، اوایل ۳۰ سالگی به کاخ سفید در دولت بوش مشاوره اقتصادی می‌داد و سپس در ۳۵ سالگی جوان‌ترین عضو تاریخ هیات مدیره فدرال رزرو شد. در دوره ۲۰۱۱–۲۰۰۶، او در بحران مالی ۲۰۰۸ حضور داشت و بعدها به «پسر وال‌استریت» شناخته‌شد. پس از خروج از فدرال رزرو (۲۰۱۱)، وارث منتقد سیاست‌های انبساطی بانک مرکزی بود و از «تورم گسترده» و «سنتری‌سازن به پول نقد» ابراز نگرانی می‌کرد.

بااین حال تحول مهمی در دیدگاه او رخ داده است. طبق تحلیل‌ها، وارث اکنون تورم را نه ناشی از فشار دستمزدا یا رشد بیش از ظرفیت می‌داند، بلکه «محصول سوءمدیریت مالی دولت و ناکارآمدی ساختار حکمرانی» توصیف می‌کند. به عبارت دیگر، او بر نقش کسری بودجه‌ها و اتلاف منابع دولتی در پدید آوردن تورم تأکید دارد. این رویکرد جدید (که برخی آن را تورم مالی می‌نامند) به معنی بازتنووسی رابطه میان سیاست پولی و دولت است. جایی که افزایش بهروری به جای «پول پاشی»، جایگزین کنترل تورم می‌شود. وارث معتقد است هوش مصنوعی می‌تواند هزینه‌ها را کاهش دهد و بهروری را بالا برد، طوری که رشد اقتصادی دیگر الزاما تورم‌زا نباشد.

وارث همچنین شبکه ارتباطی ویژه‌ای دارد، روابط نزدیک او با کارآفرینانی چون استنلی دراک‌میلر و الکس کارپ (مدیرعاملی شرکت داده‌کاوی بالاتینتر) راه را برای استفاده گسترده از هوش مصنوعی و داده‌کلوی در حاکمیت باز می‌کند. بالاتینتر شرکتی حلال در حال اجرا می‌کند.

در تمام جهات، هر کشور و دستگاهی که خواستار توسعه نظام‌مند باشد، مستلزم این است فضایی امن و شفاف برای تمام سازوکار‌هایش فراهم کند. سازوکار شفاف و اطلاعات دقیق، نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری‌های کلان دارد و طبیعتا جلوی بخش قابل توجهی از فسادهای ساختاری را خواهد گرفت. شفافیت اطلاعات همچنین در توسعه اقتصادی نیز نقش بسیار مهمی دارد. یکی از مصادیق شفافیت اقتصادی قابل رویت بودن دارایی‌های مشهود (دارایی‌های فیزیکی مانند ساختمان، شرکت‌هاست. اساسا این دارایی‌ها نشان‌دهنده وضعیت مساعد یا غیر مساعد شرکت‌ها به حساب می‌آید و موجب اطمینان مدیران و سرمایه‌گذاران شرکت‌ها به وجه نقد یا تأمین مالی می‌شود. از این جهت با بالا رفتن دارایی‌های مشهود و احصا شده، در صد اطمینان نیز افزایش یافته و نظر مثبت سرمایه‌گذاران و بازار سرمایه را به خود جلب می‌کند و در نهایت افزایش سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. پیش‌تر به دلیل معتبر بودن اسناد عادی در انتقال مالکیت، این فضای شفاف با اختلال مواجه بود و انتقال مالکیت در اسناد عادی به صورت قانونی به افراد دیگر انجام می‌شد اما در مراجع رسمی ثبت نمی‌شد و این عامل اصلی پایین بودن شفافیت معاملات و دارایی‌های مردم بود. به عبارت دیگر، دارایی‌هایی که اساسا باید قابل رویت و در دسترس باشد، به دلیل وجود مسیر دیگری جز مسیر رسمی برای انتقال مالکیت، غیر قابل

شده اما با چالش‌های عمیق و ریشه‌داری روبه‌رو است. منتقدان بر این باورند که حتی اگر فدرال‌رزرو در دوره جدید موفق شود ترانزنامه خود را کوچک کند و از حجم مداخلات مستقیم در بازارها بکاهد، این اقدام به‌تنهایی برای اصلاح مسیر اقتصاد آمریکا کافی نخواهد بود. مساله اصلی، به ساختار مالی دولت و شیوه بودجه‌ریزی آن بازمی‌گردد. در یادداشتی که فایننشال تایمز منتشر کرده و در رسانه‌های داخلی نیز بازتاب یافته، تأکید شده است ایالات متحده بیش از هر چیز به سیاست مالی هوشمندانه نیاز دارد؛ سیاستی که به جای اتکا به پول ارزان، به حل مسائل بنیادینی چون نظام آموزش، بحران مسکن و هزینه‌های فراینده درمان بپردازد. بدون اصلاح این حوزه‌ها و بسدن پذیرش هزینه‌های سیاسی ناشی از افزایش مالیات یا کاهش مخارج، وابستگی مزمن اقتصاد به سیاست پولی ادامه خواهد یافت.

تجربه تاریخی نیز این هشدار را تأیید می‌کند. دهه ۱۹۶۰ و در دوران ریاست‌جمهوری لیندون جانسون، سیاست موسوم به «تفنگ و کره» با هدف تأمین هبر‌زمان هزینه‌های جنگ ویتنام و برنامه‌های گسترده رفاهی اجرا شد اما چون این سیاست بدون افزایش متناسب درآمدهای مالیاتی پیش رفت، نتیجه آن رشد کسری بودجه و تشدید تورم بود. در نهایت، مهار این تورم تنها با سیاست‌های سخت‌گیرانه و انقباضی پل ولکر در دهه ۱۹۸۰ ممکن شد. سیاست‌هایی که هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی سنگینی به همراه داشت. از آن زمان به بعد، به‌تدریج مسؤولیت حفظ ثبات اقتصاد کلان عملا به فدرال‌رزرو واگذار شد و دولت‌ها نقش کم‌رنگ‌تری در مدیریت مستقیم چرخه‌های اقتصادی ایفا کردند. حاصل این روند، کاهش بلندمدت نرخ‌های بهره، چندین دوره تسهیل کمی و شکل‌گیری چرخه‌های مکرر رونق و رکود در بازارهای مالی بوده است.

در سال‌های اخیر این وابستگی به سیاست پولی حتی پررنگ‌تر نیز شده است. دولت‌ها و بازارها با اتکا به آنچه «فد پوت» نامیده می‌شود (یعنی این تصور که فدرال‌رزرو در زمان بحران همواره به کمک بازارها خواهد آمد)، بخش بزرگی از بار سیاست‌های حمایتی را بر دوش بانک مرکزی گذاشته‌اند. این رویکرد اما با واقعیت‌های مالی امروز آمریکا در تضاد قرار دارد. نسبت بهی دولت به تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۴ به حدود ۱۲۴ درصد رسیده و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۲۰۲۵ به نزدیک ۱۲۵ درصد افزایش یابد، رقمی که در مقایسه با دهه‌های گذشته، از جمله دوران ریگان، بمب‌رتاب بالاتر است. در چنین شرایطی، اجرای سیاست‌های مالی انبساطی تازه با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است و هر گونه شوک منفی می‌تواند پایداری بدهی را زیر سؤال ببرد. افزون بر این، اگر خوش‌بینی‌ها درباره جهش بهروری ناشی از فناوری (بویژه هوش مصنوعی) محقق‌نشد، مجموعه‌ای از عوامل همچون تعرفه‌های تجاری، محدودیت‌های مهاجرتی و اختلال در زنجیرهای تأمین جهانی ممکن است فشارهای تورمی زیاد را ایجاد کنند.

مجموع این تحولات نشان می‌دهد تکیه صرف بر نقش «نیجات‌دهنده در بحران» برای فدرال‌رزرو دیگر پاسخگوی پیچیدگی‌های اقتصاد آمریکا نیست. همان‌گونه که برخی تحلیل‌های فایننشال تایمز تأکید کرده‌اند، سیاستمداران طی دهه‌های گذشته به جای مواجهه با اصلاحات ساختاری دشوار، ترجیح داده‌اند از ابزار نرخ بهره پایین و نقدینگی فراوان برای حفظ رشد و رضایت کوتاه‌مدت استفاده کنند. اکنون پرسش اساسی این است: آیا در فضای پر تنش سیاسی و اقتصادی کنونی، اراده‌ای برای بازنگری اساسی در رژیم مالی کشور شکل خواهد گرفت یا خیر و اینکه آیا رئیس جدید فدرال‌رزرو (کوین وارث) می‌تواند در هماهنگی با دولت، نقشی سازنده در این مسیر ایفا کند.

در این چارچوب، چشم‌انداز سیاست‌های پولی وارزی در دوره وارث می‌تواند دستخوش تغییرات قابل توجهی شود. او از ایده «انضاط مالی مبتنی بر فناوری» سخن می‌گوید، رویکردی که بر استفاده از ابزارهای نوین، بویژه هوش مصنوعی، برای افزایش شفافیت، کاهش هزینه‌ها و ارتقای بهروری تأکید دارد. چنین نگرشی می‌تواند پیامدهای متفاوتی برای بازارهای مختلف به همراه داشته باشد. برای نمونه، بخش‌هایی مانند هوش مصنوعی و نیمه‌هادی‌ها ممکن است از حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم سیاسی بهره‌مند شوند و به رشد قابل توجهی روبه‌رو شوند، در حالی که دارایی‌های سنتی نظیر فلزات گرانبها (که معمولا از سیاست‌های پولی انبساطی سود می‌برند) احتمالا با فشار مواجه شوند. در نهایت، ابعاد و آثار واقعی این تحول به نحوه اجرای سیاست‌ها، میزان هماهنگی میان سیاست پولی و مالی و واکنش بازارها بستگی خواهد داشت؛ مسیری که می‌تواند ساختار قیمت‌گذاری دارایی‌ها و حتی نقش آمریکا در اقتصاد جهانی را دگرگون کند.

■ **چالش‌های ساختاری و چشم‌اندازها**

تغییر رویکرد در سیاست‌گذاری پولی و اقتصادی آمریکا، هرچند در ظاهر با هدف بازگرداندن انضباط و مهار تورم طراحی

صیانت از حقوق مالکیت، لازمه رشد اقتصادی

رویت شده بود، در همین راستا و برای حل مشکل عدم شفافیت

معاملات اموال غیرمنقول، سال ۱۴۰۳ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول به تصویب رسید و اعتبار‌زدایی از اسناد عادی آغاز شد. در این باره محمد مهاجری در گفت‌وگو با خبرنگاران، توضیحاتی را ارائه داد.

■ **ثبت رسمی معاملات؛ حلقه مفقوده شفافیت و توسعه اقتصادی**

تقویت و گسترش حقوق مالکیت از ارکان اساسی توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. در همین چارچوب، محمد مهاجری، حقوقدان و اسناد‌دانشگاه، در توضیح نسبت میان «قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول» و «حقوق مالکیت، به نقش تعیین‌کننده این حوزه در مناسبات اقتصادی کشور اشاره کرد. به گفته وی، اموال غیرمنقول در ایران تنها برای تأمین نیازهای اولیه‌ای مانند سکونت کاربرد ندارند، بلکه کارکردی سرمایه‌ای نیز یافته‌اند و به عنوان محل سرمایه‌گذاری، ابزار تجدید ارزیابی دارایی‌های مشهود شرکت‌ها و همچنین بخشی از دارایی‌های اشخاص حقیقی تاجر مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این منظر، ارتباط شهروندان با اموال غیرمنقول، پیوندی مستقیم با روند توسعه اقتصادی برقرار می‌کند. مهاجری در ادامه، قانون الزام به ثبت رسمی را اقدامی مؤثر در جهت تقویت بسترهای توسعه اقتصادی دانسته و تأکید می‌کند اجرای این قانون به افزایش شفافیت در فعالیت شرکت‌های حقوقی عضو سازمان بورس، شرکت‌های سهامی خاص و مجموعه‌هایی که به صورت شخصی فعالیت می‌کنند و جنبه عمومی محدودی دارند، کمک خواهد کرد. به اعتقاد وی، این شفافیت هم سهامداران عام و هم سهامداران خاص را دربرمی‌گیرد و در نهایت، از منظر اقتصادی نیز به شکل‌گیری وضوح بیشتر اطلاعات و ارتقای سلامت و

مهاجری تأکید می‌کند که این شرایط در عمل موجب بروز

اختلافات متعددی می‌شود به طوری که ممکن است طلبکاران ملکی را به نام هسدر توقیف کنند اما با ادعای مالکیت شخص دیگری که سسند عادی در اختیار دارد مواجه شوند. این امر طرح دعای اعتراض ثالث و سایر اختلافات را در پی دارد و روند رسیدگی قضایی را دشوارتر می‌کند، زیرا قاضی باید میان سند رسمی و عادی، مالک واقعی را احراز کند. به گفته وی، این وضعیت نمونه‌ای روشن از فقدان امنیت معاملاتی است و همین

پنجشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۴
وطن‌امروز | شماره ۴۵۲۴
[**اقتصادی**]

اخبار

مردم ایران چقدر پول در بانک‌ها دارند؟



بررسی آمار رسمی شبکه بانکی کشور از مانده سپرده‌ها و تسهیلات استان‌ها تا پایان آذرماه ۱۴۰۴ نشان می‌دهد تمرکز منابع مالی در چند استان محدود، بویژه تهران، همچنان یکی از ویژگی‌های اصلی نظام بانکی ایران است؛ تمرکزی که هم در جذب سپرده‌های مردم و هم در پرداخت تسهیلات بانکی دیده می‌شود و پیامدهای مستقیمی برای توازن منطقه‌ای اقتصاد کشور دارد. بر اساس این آمار، مجموع مانده سپرده‌های بانکی کشور تا پایان آذر ۱۴۰۴ به حدود ۱۷ هزار و ۴۲۵ همت رسیده است، در این میان، استان تهران با مانده سپرده‌ای معادل ۱۰ هزار و ۱۴۷ همت، به تنهایی بیش از ۵۸ درصد کل سپرده‌های بانکی کشور را در اختیار دارد، به بیان دیگر، از هر ۱۰ تومان سپرده مردم در شبکه بانکی، نزدیک به ۶ تومان آن در بانک‌های مستقر در تهران متمرکز شده است. پس از تهران، اصفهان با حدود ۷۵۵ همت، خراسان رضوی با ۶۶۴ همت و فارس با ۵۷۵ همت در رتبه‌های بعدی قرار دارند، اگرچه این استان‌ها نیز سهم قابل‌توجهی از منابع بانکی را جذب کرده‌اند، اما فاصله آنها با تهران به‌قدری زیاد است که عملاً یک تمرکز کم‌سابقه منابع مالی در پایتخت شکل گرفته است. در مقابل، استان‌های انتهایی جدول سپرده‌ها، فاصله‌ای معنadar با استان‌های برخوردار دارند. کهگیلویه‌بویراحمد با حدود ۴۶ همت، ایلام با ۵۱ همت و خراسان شمالی با ۵۴ همت، کمترین مانده سپرده بانکی را تا پایان آذر ۱۴۰۴ به خود اختصاص داده‌اند، مقایسه این راقم نشان می‌دهد اختلاف میان استان اول و آخر جدول سپرده‌ها به بیش از ۲۰۰ برابر می‌رسد، شکافی که از یک تفاوت طبیعی اقتصادی فراتر رفته و به یک نابرابری ساختاری تبدیل شده است.

■ ■ ■

کاهش ضریب جینی

به کمترین رقم ۹ سال گذشته

بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار، ضریب جینی به نسبت سال گذشته کاهش یافت. ضریب جینی که نشانگر توزیع ثروت در جامعه است عددی بین صفر تا یک است. هر چه این عدد به صفر نزدیک باشد نشانگر آن است که توزیع ثروت در جامعه متعادل‌تر است و هر چه نزدیک به عدد یک باشد به معنی آن است که ثروت در جامعه متمرکز است. آخرین گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد شاخص ضریب جینی که در سال ۱۴۰۲، ۰٫۳۹۷۹ بوده است، سال ۱۴۰۳ با کاهش حدود ۳ درصدی به ۰٫۳۸۷۰ رسیده است که نشان می‌دهد توزیع ثروت به نسبت سال ۱۴۰۲ متعادل‌تر شده است. در سال ۱۳۹۰ ضریب جینی ۰٫۳۷۰۰ بوده که این رقم در سال ۱۴۰۳ حدود ۴ درصد افزایش یافته است و حاکی از افزایش تمرکز ثروت و نابرابری توزیع ثروت به نسبت سال ۱۳۹۰ است. بر این اساس ضریب جینی ثبت شده برای سال ۱۴۰۳ کمترین رقم طی ۹ سال گذشته یعنی از سال ۱۳۹۴ به این سو بوده است.

■ ■ ■

ثبت رشد ۲،۵ درصدی

تولید ناخالص داخلی در آذرماه

بر اساس محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه در آذرماه سال ۱۴۰۴ نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۳،۲ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت ۵،۲ درصد برآورد می‌شود. نتایج برآورد‌ها نشان می‌دهد در آذرماه ۱۴۰۴ نسبت به ماه مشابه سال قبل، ارزش افزوده گروه «کشاورزی» رشد ۱،۱ درصدی، گروه «فت» رشد ۶۰ درصدی، گروه «صنایع و معادن» رشد ۳،۲ درصدی و گروه «خدمات» رشد ۸،۲ درصدی را ثبت کرده‌اند. همچنین برآورد اجزای هزینه نهایی نشان می‌دهد در آذرماه ۱۴۰۴ نسبت به ماه مشابه سال قبل، هزینه مصرف نهایی بخش خصوصی رشد ۱،۲ درصدی، هزینه مصرف نهایی بخش دولتی رشد ۵،۱ درصدی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص رشد منفی ۸،۱۴ درصدی، صادرات کالا و خدمات رشد ۲ درصدی، واردات کالا و خدمات رشد منفی ۵،۱۹ درصدی و تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار رشد ۹،۲ درصدی داشته است.

■ ■ ■

۶۰۰۰ پروژه حوزه آب و برق

در ۳۱ استان آماده بهره‌برداری شد

معون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت نیرو با اشاره به پروژه‌های آماده بهره‌برداری وزارت نیرو در دهه مبارک فجر گفت: ما با برنامه‌ریزی‌های انجام شده، حدود ۶ هزار پروژه در ۳۱ استان کشور در حوزه آب و برق با ارزش سرمایه‌گذاری بیش از ۱۹۳ هزار میلیارد تومان آماده کرده‌ایم. ما با اختیار مردم عزیز ایران قرار گیرد، یزدان رضایی در همین رابطه افزود: بخشی از این پروژه‌ها در دهه مبارک فجر و ایام اعیاد شعبانیه افتتاح شد و باقیی نیز در روزهای باقی‌مانده به بهره‌برداری خواهد رسید. معاون وزارت نیرو با تشریح جزئیات پروژه‌های حوزه برق که برای دهه فجر به مر حله افتتاح رسیده است، تصریح کرد: مجموعه پروژه‌ها شامل نیروگاه‌های حرارتی با ارزشی بالغ بر ۶۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان و مجموعه‌ای از طرح‌های توسعه، اصلاح و بهینه‌سازی شبکه برق، خطوط انتقال، پست‌های توزیع، فوق توزیع و انتقال و همچنین طرح‌های دیسپاچینگ با ارزش بیش از ۷۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان است. وی ادامه داد: علاوه بر این، پروژه‌های نیروگاه‌های تجدیدپذیر روز سه‌شنبه با حضور ریاست محترم جمهوری افتتاح شد و ۷۵۰ مگاوات ظرفیت جدید خورشیدی به شبکه کشور اضافه شد.